



سیمای غیبت در روایات و آثار متقدمان شیعه

○ دکتر مجید معارف

مواجهه شیعه با غیبت امام عصر (عج)، مشکلات، چاره‌جویی‌ها

یکی از مسائل مهم در تاریخ سیاسی شیعه، مواجهه شیعیان با موضوع غیبت امام عصر (عج) است. مطالعه در روایات و قرائن به جا مانده نشان دهنده چاره‌جویی‌های متنوع امامان شیعه (ع) و نیز دانشمندان این مکتب است. این مقاله، گزارش کوتاهی است از اهم اقداماتی که جهت توجیه و تثبیت اصل پدیده غیبت و نیز چگونگی مواجهه با این پدیده و اداره امور شیعه در شرایط و عصر غیبت انجام گرفته است:

۱. تأکید بر غیبت امام عصر در روایات پیامبر (ص) و هر یک از امامان (ع)

از رسول خدا (ص) و امامان شیعه روایات متعددی در دست است که بر وجود امام عصر (عج) و غیبت آن بزرگوار تأکید می‌کند. این روایات خود از تنوع چشمگیری برخوردار است که در یک نگاه اجمالی قابل ملاحظه است. برای نمونه روایات به جامانده از رسول خدا (ص) در انواع زیر قابل دسته‌بندی است:

الف) روایاتی که بر وجود حجت معصوم (ع) در هر عصر و زمان دلالت می‌کند و مرگ در حالت عدم معرفت به آن امام راه مرگ جاهلیت اعلام می‌کند.^۱

ب) روایاتی که بر تعداد ائمه (ع) یعنی دوازده‌گانه بودن آنها دلالت دارد. یعنی در آنها این موضوع از جانب رسول خدا (ص) تأکید شده که «الائمة من بعدی اثنی عشر کلهم من قریش»^۲. با این توضیح که دوازده‌گانه بودن ائمه در اسلام تطبیقی جز بر امامان شیعه (ع) ندارد و هر تطبیق دیگری در این خصوص تطبیق نامناسب است.^۳

ج) روایاتی که در آن رسول خدا (ص) به معرفی امامان پس از خود پرداخته و به طور دقیق از حضرت مهدی (عج) به عنوان امامی از نسل خود خبر می‌دهد یا آن بزرگوار را از نسل امام حسین می‌داند و نیز روایاتی که نام و لقب آن بزرگوار را مانند نام و لقب خود اعلام می‌کند.^۴

د) روایات متعددی که بر ظهور حضرت مهدی (عج) تأکید داشته و ظهور آن بزرگوار را با فرض بقای یک روز از عمر دنیا قطعی اعلام می‌کند. مرحوم

علامه مجلسی به نقل از ابو داوود و ترمذی یکی از این روایات را چنین نقل می‌کند: «عن عبدالله بن مسعود قال: قال رسول الله (ص) صلی الله علیه و آله: لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث الله رجلاً منی او من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی واسم ایه اسم ابی یملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»^۵. یعنی: اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند به گونه‌ای که مردی از من یا اهل بیت مرا برانگیزاند که نام او هم نام من و نام پدرش هم نام پدر من باشد. او زمین را پر از عدل و داد کند، پس آنکه مملو از ظلم و جور باشد.

بنا به تحقیق مرحوم علامه مجلسی روایات وارده از پیامبر (ص) درباره امامت و غیبت حضرت مهدی (ع) بسیار زیاد است. وی از جمله رساله‌ای از حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله، به احادیث پیامبر (ص) درباره حضرت مهدی (عج)، اشاره می‌کند که حاوی ۴۰ حدیث است. این احادیث را اصحاب پیامبر (ص) از جمله ابوسعید خدری، حذیفه بن یمان، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن عمر، انس بن مالک و دیگران نقل کردند که در بحار الانوار قابل مشاهده است.^۶ علاوه بر رسول گرامی اسلام (ص) که پایه‌گذار اصلی طرح امامت و غیبت حضرت مهدی (عج) است، از هر یک از امامان شیعه نصوص متعددی وارد شده که در آن بر وجود حضرت مهدی و غیبت طولانی او - در حدی که مردم به شک و تردید نیافتند - تأکید شده است. شیخ صدوق در کمال‌الدین و به تبع او علامه مجلسی در بحار الانوار احادیث هر یک از امامان (ع) را در باب جداگانه‌ای آورده‌اند. شمار فراوانی از این روایات از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) وارد شده و گویا در عصر این دو بزرگوار فعالیت زیادی در این خصوص صورت گرفته است. این روایات، انتظار فرج در دوران غیبت را عبادتی بزرگ دانسته و یکی از صفات مؤمنان را منتظر واقعی بودن آنان برشمرده که در حد مجاهد بودن در رکاب رسول خدا (ص) است. برای مثال، براساس یکی از این روایات، زراره گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که گفت: قائم آل محمد (ص) قبل از قیام خود غیبتی دارد. من گفتم چرا؟ امام صادق (ع) فرمود: چون در امان نیست و اشاره به شکم خود کرد (یعنی ترس از کشته شدن دارد چنان که این اتفاق برای پدران او افتاد).



پیشتر از آن خواهند بود. خداوند زراره و امثال او را رحمت کند. اگر زراره نبود قطعاً آثار نبوت و احادیث پدرم از بین رفته بود. این عده، ارکان زمین و چهره‌های مشخص دین خدایند. اگر خداوند اراده داشته باشد که اهل زمین را عذاب کند به خاطر وجود آنان عذاب خود را رفع نماید.^{۱۱}

شایان ذکر است که صادقین (ع) - به ویژه امام صادق (ع) - در جهت حفظ علوم و معارف خود به این شاگردان دستور دادند که:

الف - علوم خود را با دقت بنویسند و ثبت کنند^{۱۲} و نوشته‌ها را به وراثت گذارند^{۱۳}؛ و نوشته‌های حدیثی خود را به دقت حفظ و مراقبت کنند زیرا به زودی به آن نیازمند و محتاج خواهند شد^{۱۴}. امام صادق (ع)، روزگاری را پیش‌بینی می‌کردند که به دلیل بازگشت شرایط اختناق یا ورود به عصر غیبت، رابطه شیعیان با امامان (ع) قطع شده و آنان برای شناخت تکالیف خود چاره‌ای جز رجوع به موازین علمی به جا مانده از امامان نخواهند داشت. می‌گویند حسن بن ابی خالد شینوله به امام جواد (ع) عرض کرد که پدران و مشایخ ما از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایات زیادی نقل کردند، اما به علت شرایط تقیه کتاب‌های خود را پنهان کرده و آنها را مستقیماً برای دیگران روایت نکرده‌اند. اکنون که از دنیا رفته‌اند و کتب آنان در اختیار ما قرار گرفته است تکلیف چیست؟ امام جواد (ع) فرمود: «حذّثوا بها فانها حق»^{۱۵}. یعنی روایات این کتب را نقل کنید که حق است.

باید یادآور شد که پرورش یافتگان مذهبی به دوره خاصی از جمله صادقین (ع) اختصاص ندارند، بلکه افرادی مانند ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، یونس بن عبدالرحمن، احمد بن ابی نصر بزنطی، علی بن مهزیار اهوازی، فضل بن شاذان نیشابوری و زکریا بن آدم قمی، مورد عنایت امامان بعدی قرار گرفتند و پس از پرورش صحیح مذهبی حاملان و حافظان علوم امامان شدند.

۳. معیار دینی به شیعیان در شناخت نظام صحیح امامت و ایجاد روحیه تحقیق

جهت شناخت مدعی بر حق

شایان ذکر است که به موازات اقدامات ائمه (ع) در تربیت شاگردان خود و آماده ساختن شیعیان برای ورود به عصر غیبت، از سوی مخالفان ائمه (ع)، به ویژه خلفای غاصب عباسی، نیز اقداماتی انجام می‌گرفت از جمله:

الف) تشدید کنترل‌های حکومتی برای دست‌یابی به جانشین برحق هر امام از دنیا رفته و به ویژه شناسایی حضرت مهدی (پس از شهادت امام حسن عسکری (ع)).

ب) حمایت از مدعیان دروغین امامت و طرح مهدی‌های ساختگی که نمونه شاخص آن ادعای مهدی عباسی فرزند منصور دوانیقی است. در این شرایط بود که شیعیان پس از رحلت هر امام، تا مدت‌ها برای شناخت امام بر حق دچار حیرت و سرگردانی بودند و اضطراب بر جامعه شیعه حاکم بود. روایات به جا مانده از دوران امام صادق (ع) به بعد نشان می‌دهد که امامان (ع) جهت زدودن حیرت و پریشانی از شیعیان، آنها را به تحقیق علمی - حتی مهاجرت از شهر و دیار خود جهت شناخت امام (ع) دعوت می‌کردند و با دادن معیارهای قابل تجربه آنان را در شناخت مدعی بر حق امامت و رسواسازی مدعیان دروغین توانا می‌ساختند. روایات زیرگوشه‌هایی از نگرانی‌های اصحاب ائمه (ع) و چاره جویی‌های امامان را در این خصوص نشان می‌دهد.

۱. یعقوب بن شعیب گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم اگر برای امامی

سپس فرمود: ای زراره او منتظر است و او همان کسی است که مردم در ولادت او تردید خواهند کرد و سخنان مختلف به زبان آورند. به این صورت که برخی گویند پدر او (امام حسن عسکری) از دنیا رفت و جانشینی از خود به یادگار نگذاشت. و برخی گویند او غایب است و برخی گویند هنوز متولد نشده است و برخی گویند دو سال قبل از وفات پدرش به دنیا آمد. اما (بدانید که) او منتظر است، جز آنکه خداوند دوست دارد که شیعه را امتحان کند و در این شرایط شک و تردید با اهل باطل است. زراره گوید به امام صادق (ع) گفتم: فدای شما گردم اگر من آن زمان را درک کنم تکلیف من چیست؟ فرمود: ای زراره اگر آن زمان را درک کردی به این ادعا ملزم شوکه:

«اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجّتك اللهم عرفنی حجّتك فانک ان لم تعرفنی حجّتك ضللت عن دینی»^{۱۶} و در حدیث دیگری مفضل بن عمر گوید از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «اگر کسی از شیعیان در حال انتظار امام عصر (عج) از دنیا رود او به منزله کسی است که همراه با امام قائم و در چادر آن بزرگوار باشد، بلکه او به منزله کسی است که در رکاب رسول خدا (ص) جهاد کرده باشد»^{۱۷}.

۲. تربیت نیروهای علمی و انتقال علوم اهل بیت (ع) به آنان

از کارهای مؤثر امامان (ع) جهت آماده‌سازی شیعیان در ورود به عصر غیبت، تربیت نیروهای علمی در میان یاران خود و انتقال علوم خود به آنان بوده است. این کار به ویژه از دوره امام باقر (ع) بیشتر مورد توجه امامان (ع) قرار گرفت. آن حضرت در دوران امامت خود تنی چند از نخبگان را - مانند زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر و ابان بن تغلب - به سوی خود جذب کرد و به تربیت صحیح علمی آنان همت گماشت. آن بزرگوار حتی موازین اختصاصی امامت، همچون کتاب جامعه، را در اختیار آنان را گذاشت^{۱۸} و سپس در آستانه رحلت آنان را جهت تکمیل پرورش مذهبی در اختیار فرزندش امام صادق (ع) قرار داد. امام صادق (ع) این موضوع را این گونه گزارش می‌فرماید: «پدرم که به حال احتضار افتاد به من گفت: ای جعفر وصیت من به تو آن است که در مورد اصحاب و شاگردانم نیک اندیش باشی. من گفتم: قربانت شوم به خدا سوگند چنان در تعلیم و تربیت آنان کوشش کنم که هیچ یک در هیچ شهری به فقه و دانش دیگران محتاج نباشند، گرچه یکه و تنها باشند»^{۱۹}. امام صادق (ع) به بهترین شکل به عهد و پیمان خود وفا کرد و شاگردان زیادی را که برخی از آنها اصحاب پدرش (ع) بودند تربیت کرد و موازین علمی فراوانی در اختیار آنان قرار داد. بر اساس روایات به جا مانده، برخی از این شاگردان مانند زراره بن اعین، محمد بن مسلم، ابوبصیر لیث بن بختری و برید بن معاویه عجلی در کسب معارف علمی، حفظ درست آن و انتقال دانش ائمه به نسل‌های بعد، نقش مهم‌تری دارند و زراره در این میان از همه سرآمدتر است. قدر مشترک پانزده حدیث که ابو عمر محمد بن عمر بن عبدالعزیز کثی در مقامات این افراد از امام صادق (ع) نقل کرده چنین است: «احدی از شیعیان موفق به زنده نگه داشتن یاد ما و حفظ احادیث پدرم باقر (ع) نشد مگر زراره، ابوبصیر لیث مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجلی. آنان زنده باشند یا مرده محبوب‌ترین خلائق نزد من‌اند. اگر این عده نبودند احدی قادر به استنباط و شناخت دین نمی‌گردید. آنان حافظان دین و افراد مورد اعتماد پدرم در کلیه شؤون حلال و حرام بودند. آنان در زمره کسانی هستند که خداوند در وصفشان فرموده است: «والسابقون السابقون اولئک المقربون» (الواقعه: ۱۰). در دنیا از دیگران به سوی ما پیشی گرفتند و در آخرت نیز از جمله



حدیث انجمید که مجال شرح آن در اینجا نیست.^{۳۳}

۴. خودکفا کردن شیعیان با ایجاد نظام‌ها و سازماندهی‌های علمی، اجتماعی و سیاسی
از اقدامات مؤثر امامان شیعه (ع) برنامه‌ریزی جهت خودکفا کردن شیعیان از طریق سازماندهی‌های علمی، سیاسی و اجتماعی مناسب است.

قابل تردید نبود که دوران حضور امامان (ع) روزی به پایان می‌رسد و شیعیان زندگی در شرایط غیبت امام (ع) را تجربه می‌کنند، از این رو امامان شیعه با ایجاد نظام‌های مناسب علمی، اجتماعی و سیاسی و نیز ایجاد تشکیلات فعال در اداره امور شیعیان آنان را برای رویارویی با پدیده غیبت امام غایب آماده ساختند. بنابراین، آشنایی با نظام‌هایی که ائمه (ع) بنا نهادند - ضروری است.

۱-۴- نظام مرجعیت دینی

موضوع مرجعیت دینی از زمان امام باقر (ع) مثال زدنی است. در این نظام، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) عده‌ای از نخبگان اصحاب خود را مأمور صدور فتوا ساختند. چنانکه به موجب روایات به جا مانده به عده‌ای از اصحاب خود دستور دادند برای انجام بحث‌های کلامی با مخالفان مذهبی تماس بگیرند. در اثر فعالیت‌های شاگردان صادقین (ع)، به تدریج فقهاء، متکلمان، قاریان و مفسران بزرگی در طبقه اصحاب امامان (ع) به ظهور رسید. همچنین براساس روایات دیگر، امامان (ع) شیعیان را به نخبگان اصحاب خود ارجاع داده و از این طریق مسائل و نیازهای علمی شیعیان را حل می‌کردند. شواهد این مطلب بسیار زیاد است که به چند نمونه شاخص اشاره می‌شود.

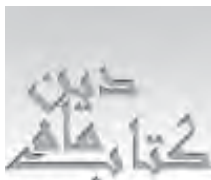
الف) به طوری که نجاشی و شیخ طوسی در شرح حال ابان بن تغلب

اتفاقی رخ دهد تکلیف مردم چیست؟ امام (ع) فرمود: پس این سخن خدای عزّ و جل کجاست که می‌فرماید: «... فلو لانفر من کل فرقة طائفة لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون.» (التوبة: ۱۲۳) یعنی چرا از هر گروهی عده‌ای (جهت شناسایی امام برحق) از شهر خود مسافرت نمی‌کنند تا در امر دین خود شناسا شوند و چون به سوی شهر خود بازگردند به انذار و راهنمایی آنان بپردازند تا شاید مردم نیز در سایه ارشاد آنان متنبه و بر حذر گردند. امام صادق (ع) در ادامه حدیث فرمود: این عده (نمایندگان مردم شهرها که در شناخت امام جدید از شهر خود خارج شده‌اند) در پیشگاه الهی تا وقتی که در طلب و تحقیق اند معذور خواهند بود و مردمان شهرها نیز تا وقتی که این قاصدان مراجعه نکرده‌اند معذور و معاف خواهند بود»^{۱۶}.

۲. عبدالاعلی گوید: به امام صادق (ع) گفتم اگر کسی به ظلم و ناحق ادعای امامت کند چه حجتی علیه او اقامه شود. امام صادق (ع) فرمود: «چنین کسی باید در زمینه حلال و حرام مورد سؤال قرار گیرد [تا حدی که در پاسخ به سؤالات علمی هرچند باشد عاجز نگردد]. امام سپس فرمود: (ضمناً بدان) سه نشانه است که در هیچ کس جز حجت الهی جمع نشود. نخست آنکه شایسته‌ترین فرد نسبت به امام قبل از خود باشد؛ دیگر آنکه سلاح پیامبر (و امانات دیگر) در اختیار اوست و سه دیگر آنکه از سوی امام قبل از خود به امامت او وصیت شده باشد به طوری که چون به عنوان تحقیق وارد شهر شوی و از مردم بپرسی که امام متوفی به چه کسی وصیت کرده است بگویند به فلان بن فلان»^{۱۷}.

شایان ذکر است که براساس این دو رهنمود اساسی امام صادق (ع)، پس از درگذشت هر امام (ع)، هیئت‌های تحقیق و نمایندگان شهرها برای شناخت جانشین امام پس از مدتی اقامت در مدینه (یا هر جای دیگر که احتمال وجود امام بود) و تحقیق در شناخت امام جدید، به شهر و دیار خود بازمی‌گشتند. چنانکه پس از شهادت امام صادق (ع) زراره که در کوفه بود فرزند خود عبید را به مدینه فرستاد تا درباره جانشین آن حضرت به تحقیق بپردازد. عبید به عنوان نماینده شیعیان کوفه^{۱۸} به مدینه روانه شد، اما پیش از بازگشت او آثار مرگ در سیمای زراره نمایان گشت. در این هنگام زراره مصحفی طلبید و آن را بالای سر خود قرار داد و سپس در حضور بستگان خود گفت: امام من بعد از جعفر بن محمد همان کسی است که نام او در بین الدفتین و در کلیت قرآن ثبت است من به امامی ایمان دارم که خداوند اطاعت او را بر من واجب ساخته است.^{۱۹} زراره اندکی پس از این سخنان از دنیا رفت و پس از مرگ او عبید به کوفه بازگشت و به مردم اطلاع داد که امام بر حق موسی بن جعفر است. ابوغالب زراری نیز در رساله خود آورده است: چون امام حسن عسکری (ع) از دنیا رفت دایی پدرم به نام محمدبن جعفر به عنوان معتمد شیعیان کوفه به مدینه آمد و پس از یک سال اقامت و تحقیق در این شهر و پی بردن به وجود صاحب الامر (ع) به کوفه بازگشت.^{۲۰} به علاوه فقهای بزرگ شیعه و تربیت یافتگان ائمه (ع) جهت شناسایی امام برحق یا مدعی ناحق امامت، با طرح سؤالاتی امامت مدعی را به محک آزمون می‌گذاشتند. چنانکه پس از رحلت امام صادق (ع) هشام بن سالم و ابوجعفر مؤمن طاقی به سراغ عبدالله افطح - که مدعی جانشینی امام صادق (ع) بود - رفتند و با طرح سؤالاتی ادعای وی را باطل ساختند که شرح آن را کلینی در الکافی آورده است.^{۲۱} این گونه تحقیقات علمی در دوره‌های بعد یعنی عصر امام رضا (ع) و امام جواد (ع) گسترش بیشتری یافته و امامت امام رضا (ع) و امام جواد (ع) به این ترتیب مبرهن شد. ضمناً این موضوع که به شکل گرفتن اصطلاح «مسائل آزمونی» در حوزه





به امام صادق (ع) گفت: برای من امکان ندارد در هر زمان شما را ملاقات کرده و از راه دور خدمت شما نائل شوم. در صورتی که مردم به من مراجعه کرده و از مسائلی پرسش می‌کنند که جوابی برای آنها ندارم. حضرت فرمود: چه امری تو را از رجوع به محمدبن مسلم ثقفی بازمی‌دارد که او از پدرم مطالب زیادی شنیده و نزد او وجیه‌المنزله بود.^{۳۸}

د) کشتی در رجال خود از قول حسن بن علی بن یقطين و عبدالعزيز بن مهتدی، از وکلای امام رضا(ع)، به تفکیک آورده است که آنها به امام رضا(ع) عرضه داشتند: «برای ما مقدور نیست که در هر فرصتی به خدمت شما نائل گردیم پس معالم دینی خود را از چه کسی فرابگیریم؟ امام فرمود: از یونس بن عبدالرحمن.»^{۳۹} در سطور پیشین درباره نجاشی پس از ذکر این ماجرا می‌نویسد: این منزلت بسیار بزرگی است.^{۴۰}

۲-۴- نظام وکالت

نظام دیگری که در دوران ائمه (ع) پی‌ریزی شد، نظام وکالت بود. از زمان امام صادق (ع) به بعد، امامان شیعه (ع) وکلایی برای هر یک از شهرها و مناطق - به ویژه نقاط شیعه نشین - انتخاب کرده و آنها را به مردم آن سامان معرفی کردند. این وکلا ضرورتاً از چهره‌های شاخص علمی و مراجع فقهی نبوده‌اند که مسئول پاسخگویی به سؤالات شرعی باشند. گرچه گاه در بین آنان شخصیت‌های علمی نیز دیده می‌شد. از تأمل در روایات به دست می‌آید که وکلای ائمه دو وظیفه مشخص داشته‌اند: الف) جمع‌آوری سؤالات شیعیان و آوردن آنها برای ائمه، اخذ پاسخ امامان و آوردن پاسخ‌های آنان برای مردم؛ و ب) جمع‌آوری وجوه شیعیان و تحویل آن به امامان (ع) یا هزینه کردن آن وجوه به اذن امامان برای مردم.

درخصوص این وظایف شواهد فراوانی در کتاب‌های حدیث و رجال وجود دارد و افراد زیادی در مقام وکلای امامان (ع) قابل شناسایی هستند. برای مثال در میان یاران صادقین می‌توان از عبدالله بن ابی یعفر، عبدالملک بن اعین، عبدالله بن مسکان، ابراهیم بن میمون، عمر بن محمد بن یزید - و حتی ابوالخطاب که بعدها به صف غلاة پیوست - سخن به میان آورد.^{۴۱} نجاشی درباره عمر بن محمد بن یزید می‌نویسد: وی مکنی به ابوالاسود که فروشنده قماش شاپوری بود، آزاد شده بنی ثقیف است. او از راویان موفق و جلیل‌القدر کوفه و یکی از کسانی بود که هر سال بر امامان وارد می‌شد. وی از امام صادق و امام کاظم (ع) نقل روایت دارد.^{۴۲} همچنین درباره عبدالله بن مسکان آمده است که او شخصاً به خدمت امام صادق (ع) نمی‌رسید زیرا می‌ترسید نتواند حق احترام آن بزرگوار را به جا آورد اما در عین حال سؤالات مردم را که ظرف شش ماه از عمره تا حج برایش جمع می‌شد از طریق دوستان خود به خدمت امام صادق (ع) می‌فرستاد تا پاسخ بگیرند.^{۴۳} همچنین نجاشی درباره احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری می‌نویسد: «او از جانب اهل قم سمت نمایندگی را به عهده داشت. از امام نهم و امام دهم نقل روایت داشت و از خالصان امام یازدهم به شمار می‌رفت و...»^{۴۴}

شایان ذکر است که از زمان امام رضا (ع) به بعد و به موازات بازگشت جو اختناق و فشار به حوزه شیعیان و کنترل ائمه اطهار از ناحیه خلفای عباسی که عملاً به قطع رابطه امامان با شیعیان یا دست‌کم به تقلیل این مناسبات انجامید، نقش وکلا و اختیارات آنان بیشتر شد؛ چنانکه تماس آنان نیز با امامان (ع) با

آورده‌اند، امام باقر (ع) به او فرمود: در مسجد بنشین و برای مردم فتوا بده، زیرا دوست دارم که در شیعیان من امثال تو دیده شود.^{۳۳} ابان امتثال امر کرد و در مسجد مدینه به صدور فتوا پرداخت. اما به دلیل مراجعات اهل سنت نمی‌توانست به صراحت فتوای اهل بیت(ع) را بازگو کند و از امام صادق (ع) چاره‌اندیشی کرد. امام فرمود در صورت اطلاع از معالم دینی اهل سنت پاسخگویی به آنان براساس فقه و مذهب خودشان مانعی ندارد.^{۳۴} به همین ترتیب در سیره محمدبن علی بن نعمان از یاران امام صادق(ع) و محمدبن حکیم از اصحاب امام هفتم (ع) آمده است که این دو تن در مسجد رسول خدا (ص) با مردم درخصوص عقایدشان بحث و مناظره می‌کردند.^{۳۵}

ب) در سطور پیشین درباره جامعیت علمی زراره و به ویژه نقش او در حفظ و انتقال روایات امام باقر (ع) مطالبی گذشت. افزون بر آن باید گفت که زراره از مراجع علمی در بین اصحاب امام صادق(ع) بود و شیعیان نیز مرجعیت علمی او را پذیرفته بودند. از جمله امام صادق (ع) به فیض بن مختار دستور داد که «هرگاه جویای احادیث اهل بیت شدی به زراره بن اعین مراجعه نما»^{۳۶}. و در همین راستا عمر بن اذینه گوید: «به زراره گفتم مردم از امام صادق و پدرش (علیهماالسلام) روایاتی در باب ارث نقل می‌کنند که من همه را بر تو عرضه می‌کنم. پس هر کدام که باطل است تو بگو باطل است و هر کدام که حق است تو بگو که حق است و...»^{۳۷}

ج) از مراجع مهم علمی دیگر در عصر امام صادق (ع)، محمدبن مسلم بود که از سوی امام صادق (ع) به کوفه گسیل شد و در این شهر به رفع نیازهای علمی مردم مبادرت کرد. در این خصوص شواهدی در دست است. از جمله آنکه عبدالله بن ابی یعفر که نماینده امام صادق (ع) در جمع‌آوری سؤالات مردم بود





صغری با ذهنیتی مناسب با پدیده غیبت مواجه گردند. شیخ طوسی از ابوعمرو عثمان بن سعید العمروی، به عنوان سفیر امام دهم و امام یازدهم یاد می‌کند و ضمن حدیثی از قول احمد بن اسحاق بن سعد قمی می‌آورد که وقتی در خدمت امام دهم (ع) از دشواری حضور یافتن در محضر امام سخن گفت و جویای فرد قابل اعتماد ایشان شد، امام فرمود: «هذا ابوعمرو و الثقة الامین ما قاله لکم فعنی یقوله و ما انا الیکم فعنی یؤدیه» و چون امام دهم از دنیا رفت به خدمت امام یازدهم مشرف شد و از ایشان نیز همان سؤال را پرسید. امام یازدهم نیز فرمود: «هذا ابوعمرو الثقة الامین ثقه الماضی (المرضی) و ثقته فی المحیا و الممات و هو لکم فعنی یقوله و ما ادى الیکم فعنی یؤدیه».^{۴۴}

اما تبلور اصلی نظام نیابت در شیعه، به دوره غیبت صغری ارتباط دارد. در این دوره چهار تن از افراد موثق به عنوان نایبان خاص تعیین و متکفل انجام امور شیعیان شدند که عبارت‌از:

ابوعمرو عثمان بن سعید عمری (که از زمان امام دهم (ع) به مقام سفارت منصوب گردید)؛ ابوجعفر محمد بن عثمان (فرزند عثمان بن سعید)؛ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛ و ابوالحسن علی بن محمد سمری.

شیخ طوسی در کتاب الغیبه روایات متعددی درباره این نایبان نقل کرده و آنها را از جهت شخصیت والا و جایگاهی که در میان شیعیان داشتند و نیز اتفاق نظر شیعیان بر عدالت، امانت و تقوای آنان، شناسانده است.^{۴۵} او ضمناً در همین قسمت شماری از توقیعات امام مهدی را که از طریق همین نایبان در اختیار شیعیان قرار می‌گرفت، نقل کرده است. بنابر یکی از این توقیعات چون علی بن محمد سمری در آستانه وفات قرار گرفت، امام مهدی ضمن صدور توقیعی به او فرمود: «ای علی بن محمد سمری خداوند به اصحاب تو درباره (مرگ تو) اجر عظیم عطا فرماید، تا شش روز دیگر وفات خواهی یافت کارهای خود را سامان ده و کسی را به عنوان وصی تعیین مکن که دوره غیبت کلی و بزرگ فرا رسیده، ظهوری در کار نخواهد بود مگر با اذن الهی و این پس از زمانی طولانی و سخت شدن دلها و پرشدن دنیا از جور و ستم محقق خواهد شد».^{۴۶}

اما آنچه در این میان گفتنی است آنکه در واپسین سال‌های حضور ائمه (ع) در میان مردم به ویژه در دوره غیبت صغری، علما و محدثان شیعه با استفاده از دستاوردهای حدیثی امامان قبلی - خصوصاً صادقین (ع) - به طبقه‌بندی روایات و انجام تألیفات حدیثی، کلامی، فقهی و تفسیری روی آورده و به نوعی خودکفایی علمی رسیدند. در همین دوران نایبان ائمه (ع) نیز از تکیه‌گاه روانی آنان به شمار می‌رفتند و در مواقع ضروری مشکلات علمی و اجتماعی و حتی خانوادگی شیعیان را به محضر امامان - خاصه ولی عصر (عج) - عرضه داشته و پاسخ‌های مناسب دریافت می‌کردند. برای مثال، نجاشی در ترجمه محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری آورده است که: «او با صاحب الامر (عج) مکاتبه نمود و مسائلی از آن حضرت در موضوعات مختلف پرسش کرد». سپس اضافه می‌کند که احمد بن حسین بن عبدالله غضائری گفت نسخه اصلی این سؤالات به من رسیده و توقیعات آن بزرگوار بین سطرهای سؤالات بود. نجاشی سپس تصریح می‌کند که محمد بن عبدالله بن جعفر برادرانی به نام‌های جعفر، حسین و احمد داشت که همه آنها با امام عصر (عج) در مکاتبه بودند.^{۴۷} نجاشی در جای دیگر از نامه علی بن حسین بن علی بابویه یاد می‌کند که این نامه از طریق علی بن جعفر اسود به خدمت حسین بن روح نوبختی ارسال شد. تقاضای علی بن حسین بن بابویه آن بود که حسین بن روح نامه او را برای امام زمان ارسال کند

دشواری‌هایی همراه شد. به طوری که در سیره امام هادی (ع) آمده است، در زمان آن حضرت شیعیان سؤالات خود را در داخل خیک عسل تعبیه کرده و از طریق وکلای ائمه به خدمت ایشان ارسال می‌کردند.^{۴۵}

همچنین، گاه بر برخی از وکلای امامان (ع) که وجوه فراوانی از مردم تحصیل می‌کردند، حرص و آز چیره می‌شد و حیف و میل‌ها یا احیاناً خیانت‌هایی مشاهده می‌شد. براساس روایاتی که کثی در کتاب خود آورده است، پس از شهادت امام هفتم برخی از وکلا و نمایندگان مالی آن حضرت از جمله حیان سراج^{۴۶} و زیاد بن مروان قندی^{۴۷} که اموال فراوانی از شیعیان در اختیار داشتند، این اموال را تصرف و از تسلیم آن به امام رضا (ع) خودداری کردند. آنها به همین سبب شهادت امام کاظم و در نتیجه امامت امام رضا (ع) را انکار و جریان انحرافی واقعه را پایه‌گذاری کردند که البته پس از مدتی منقرض شد. ابراهیم بن هاشم در حدیثی می‌گوید که «وقتی در خدمت ابوجعفر محمد بن علی جواد بودم صالح بن محمد بن سهل متولی اوقاف قم شرفیاب شد و گفت: سرور من، من ده هزار درهم از اموال شما را خرج کرده‌ام و قدرت پرداخت ندارم مرا حلال کن. ابوجعفر گفت: حلال کردم. بعد از آن که صالح بن محمد خارج شد ابوجعفر (ع) گفت: یک نفر خود را بر اموال آل محمد (ص) می‌افکند و حق ایتام و مساکین و فقرا و درماندگان در سفر را می‌خورد و می‌بلعد بعد می‌آید و می‌گوید: حلالم کن که هزینه زندگی کرده‌ام، فکر می‌کنی غیر از این تصور می‌کرده است که من خواهم گفت: «حلال کردم»؟ به خدا سوگند که روز واپسین بازپرسی سختی خواهد داشت».^{۴۸} از این جواب امام جواد (ع) اجمالاً فهمیده می‌شود که متولی اوقاف قم با سوءاستفاده از لطف و بخشش ائمه (ع) عمداً خود را محتاج جلوه داده تا مشمول عنایت امام واقع شود و صاحب حق او را حلال کند. چون سیره امامان (ع) آن بود که اگر کسی واقعاً نیازمند بود او را حلال می‌کردند.^{۴۹} شاید به دلیل این موارد است که علمای رجال صرف وکیل امام بودن راوی را معادل توثیق به شمار نمی‌آورند.^{۴۰} شیخ طوسی نیز وکلای ائمه را به وکلای مذموم و وکلای محمود تقسیم کرده است.^{۴۱} اما در عین حال اکثر قاطع وکلای امامان از اشخاص صالح و جلیل‌القدر بوده و در واپسین سال‌های امامت امامان (ع) نقش مهمی در ایجاد ارتباط بین شیعیان و امامان (ع) ایفا کردند. وجود احادیث مکاتبه‌ای در کتب حدیثی و نیز پیدایش مجموعه‌های مسائل در نظام حدیث شیعه^{۴۲} بیانگر گوشه‌هایی از نقش حساس وکلای ائمه در فاصله امامت امام هفتم تا امام حسن عسکری (ع) است.

۳-۴ نظام نیابت، سفارت

نظام دیگری که در اواخر حضور امامان (ع) در بین مردم، خصوصاً در عهد غیبت صغری پی‌ریزی شد، نظام نیابت بود. در این نظام امام (ع) شخصی را که از هر جهت امین و معتمد او به شمار می‌رفت به عنوان واسطه میان خود و شیعیان تعیین فرموده و اداره امور شیعیان را به او محول می‌ساخت. روشن است که شخصیت اخلاقی نایبان و میزان اختیارات آنان از هر جهت با وکلای معمولی متفاوت بود. به این صورت که آنان افرادی امین و موثق بودند و امر و نهی آنان به مثابه امر و نهی امام (ع) بود و سایر وکلا موظف بودند که تحت فرمان آنان انجام وظیفه کنند.^{۴۳}

نظام نیابت به این معنی در عصر امام دهم به وجود آمد و در عصر امام یازدهم و سپس امام عصر (عج) تداوم یافت تا اکثر شیعیان در دوره غیبت



گزارش‌های تاریخی به معرفی آنها پرداخته است.^{۵۳} به هر حال در مواجهه با بحران ناشی از تجربه جدیدی که شیعیان با آن رو به رو شدند، فقها، محدثان و به ویژه متکلمان شیعه رسالت سنگینی به عهده گرفتند. آنان موظف بودند که از نظر کلامی از نظام امامت و غیبت امام عصر (عج) و فلسفه و امکان آن دفاع کنند و از نقطه نظر فقهی نیز پاسخگوی سوالات شرعی مردم باشند، به ویژه درمسائلی که تا آن زمان مطرح نبود. مطالعه رجال نجاشی - که فهرستی بر آثار دانشمندان شیعه است - و الفهرست شیخ طوسی، بیانگر کارنامه درخشان مؤلفان شیعه در زمینه‌های کلام، فقه، تفسیر و حدیث به ویژه در قرن‌های

دوم تا پنجم است. از جمله آثاری که در این دوران مثال زدنی است، تألیف کتاب‌های کلامی در حوزه اعتقادات شیعه - به ویژه در زمینه امامت - به طور عام و تألیف کتاب‌هایی در خصوص غیبت امام زمان (عج) به طور خاص است که گزارش کوتاهی از هر دو مورد، ضروری به نظر می‌رسد.

الف) تألیف کتاب‌های کلامی درباره امامت

در این گونه کتب، مؤلفان با استفاده از ادله کلامی (مواد قرآنی و روایی) به طرح موضوع امامت پرداخته و به شبهات مخالفان پاسخ گفته‌اند. می‌توان گفت که ریشه اصلی مباحث امامت در شیعه - علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات امامان (ع) خصوصاً از زمان امام باقر (ع) به بعد است. شمار زیادی از روایات صادقین (ع) را مرحوم کلینی در کتاب الحجة الکافی آورده است. قبلاً گفته شد که امام صادق (ع) عده‌ای از شاگردان خود را به عنوان متکلم تربیت کرد که اجازه داشتند با مخالفان مذهبی تماس گرفته و در مسائل مربوط به امامت با آنان بحث کنند. قوی‌ترین شاگردان آنها در این رشته زراره بن اعین، هشام بن حکم و محمد بن محمد بن نعمان احول معروف به مؤمن طاق بودند. پس از دوران صادقین (ع)، در دوره امام رضا (ع) نیز روایات مربوط به امامت در جامعه طنین افکن شد. به طوری که از حدود دو هزار حدیث امام رضا (ع) نزدیک به پانصد حدیث در موضوع امامت است که اکثر آنها در کتاب‌های عیون اخبار الرضا و اخیراً مسند الامام الرضا آمده است. متعاقب تلاش‌های امامان شیعه جهت روشن کردن خط صحیح اسلامی، عده‌ای از نویسندگان شیعه قبل یا بعد از غیبت صغری به جمع آوری روایات وارده در موضوع امامت یا تاریخ ائمه مشغول شدند. برای مثال می‌توان از هشام بن حکم نام برد که چندین اثر در موضوع امامت تألیف کرد.^{۵۴} محمد بن ابی عمیر^{۵۵} از اصحاب امام کاظم، یونس بن عبدالرحمن^{۵۶} (از اصحاب امام رضا)، علی بن منصور^{۵۷} (از شاگردان هشام ابن حکم) و عیسی بن



و از آن حضرت بخواهد تا برای او دعای فرزند کند. پس از مدتی توقیع مقدسه صادر شد که: «ما برای تو دعا کردیم و به زودی دارای دو پسر نیکومتن خواهی شد».^{۴۸} شیخ صدوق خود این مطالب را در کتاب کمال الدین و تمام النعمه نقل و به آن افتخار کرده است.^{۴۹} نیز شیخ طوسی درباره ارتباط شیعیان با امام عصر (عج) در دوره غیبت صغری می‌نویسد: «توقیعات صاحب الامر (ع) از طریق عثمان بن سعید و فرزند او ابو جعفر محمد بن عثمان نسبت به شیعیان و خواص یاران پدر آن حضرت (یعنی امام حسن عسکری) صادر می‌شد و در این توقیعات اوامر و نواهی آن حضرت و پاسخ سوالات شیعیان - در زمینه‌هایی که نیاز به

پرسش پیدا می‌کردند - به آنان ابلاغ می‌گردید و این توقیعات با همان خطی بود که در حیات امام حسن عسکری صادر می‌گشت».^{۵۰}

نکته آخر در این بحث آنکه شیخ صدوق در کتاب کمال الدین خود به درج پنجاه و یک مورد از توقیعات امام عصر (عج) پرداخته است و شیخ طوسی نیز در کتاب الغیبه پس از این تذکر که: «توقیعات صادره از آن بزرگوار بسیار زیاد است و من تنها به ذکر مواردی از آن مبادرت می‌کنم»^{۵۱}، نزدیک به سی مورد از توقیعات آن حضرت را با ذکر سند نقل می‌کند. مجموعه‌ای از این توقیعات را می‌توان در مجلدات ۵۲ و ۵۳ بحر الانوار (خصوصاً ج ۵۳، ص ۱۵۰ - ۱۹۸) و نیز احتجاج طبرسی (ج ۲، ص ۴۷۶ - ۴۹۸) ملاحظه کرد. شیخ آغا بزرگ تهرانی تذکر می‌دهند که محمد باقر مجلسی این توقیعات را با ترجمه فارسی در تألیف مستقلی فراهم ساخت^{۵۲} و ملاحظه این شواهد همگی مبین این مطلب است که غیبت امام عصر (عج) نتوانست مانع ارتباط شیعیان با آن حضرت شود و در صدور ارشادات و دستورات آن بزرگوار خللی ایجاد کند. به تصریح شیخ صدوق شماری از توقیعات امام عصر از طریق استاد او ابو جعفر محمد بن حسن فروخ صفار در اختیار او قرار گرفت.

مواجهه با غیبت کبری، بحران تازه و چاره اندیشی‌ها

پس از در گذشت علی بن محمد سمری دوران غیبت کبری فرا رسید و شیعیان با به مرحله جدیدی گذاشتند که از هر جهت با دوره‌های قبل تفاوت داشت، علی رغم همه تمهیداتی که امامان قبل اندیشیده و شیعیان را برای ورود به این دوره آماده کرده بودند، ورود به این شرایط لاقابل برای پاره‌ای از شیعیان خالی از اضطراب و نگرانی نبود. به ویژه اگر در نظر بگیریم که چه در دوره غیبت صغری و چه در سال‌های نخست غیبت کبری افراد متعددی ادعای سفارت و یا بیعت کرده و شماری از مردم را به سوی خود جلب کردند که شیخ طوسی طبق



تألیف شده است.

قدیمی‌ترین اثر در این زمینه کتاب الغیبه ابراهیم بن صالح انماطی است که از اصحاب امام باقر (ع) بوده است.^{۶۳} همچنین باید از عباس بن هشام ناشری اسدی^{۶۴} (م ۲۲۰)، حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی از اصحاب امام هفتم (ع)^{۶۵}، ابوالحسن بن علی بن حسن بن محمد طائی از اصحاب امام هفتم (ع)^{۶۶}، علی بن حسن بن فضال از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری^{۶۷}، علی بن مهزیار اهوازی از اصحاب امام رضا تا امام هادی (ع)^{۶۸}، عبدالله بن جعفر حمیری از اصحاب امام حسن عسکری^{۶۹} و فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب امام رضا و امام جواد^{۷۰} (علیهما السلام) نام برد.

اما مهم‌ترین کسانی که در دو قرن چهارم و پنجم به تألیف کتبی در باب غیبت امام عصر (عج) پرداخته و آثار گرانبهایی به یادگار گذاشته‌اند عبارت‌اند از:

- محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹) در کتاب الحجّه اصول کافی و نیز کتاب رسائل الاثمه.
- ابوجعفر محمد بن علی بن ابی عاذر (شلمغانی، متوفی ۳۲۳) صاحب کتاب الغیبه^{۷۱}.
- محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی صاحب ملائعیبه فی طول الغیبه از علمای قرن چهارم
- ابو محمد طبری معروف به مرعش (متوفی ۳۵۸) صاحب الغیبه للحجّه.
- ابوجعفر محمد بن علی بن حسین معروف به شیخ صدوق، وی به طوری که خود در مقدمه کمال‌الدین خبر می‌دهد دارای چندین کتاب و رساله در موضوع غیبت بوده است، اما مهم‌ترین اثر او کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه است که آن را با اشاره حضرت ولی عصر (عج) تألیف کرد و به زودی سخنی درباره آن از نظر خواهد گذشت.
- شیخ ابو عبدالله صفوانی از علمای قرن چهارم صاحب کتاب الغیبه و کشف الحجره.
- ابوالحسن ازرونی یا سلامة بن محمد بن اسماء (متوفی ۳۳۹) صاحب کتاب الغیبه و کشف الحجره.
- ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان مفید (متوفی ۴۱۳)، این دانشمند از پرکارترین متکلمان شیعه است که ده‌ها اثر در موضوع امامت به رشته تألیف کشید^{۷۲} و آثار متعددی نیز به طور خاص درباره غیبت امام عصر از خود به یادگار گذاشت که بنا به تحقیق شیخ آغابزرگ تهرانی برخی از آنها تا دوران ما باقی مانده است.^{۷۳}

نجاشی ضمن برشمردن آثار شیخ مفید، به شش اثر او اشاره می‌کند که در خصوص غیبت امام زمان نگارش یافته است. این کتب عبارت‌اند از:

کتاب المسائل العشره فی الغیبه؛ کتاب مختصر فی الغیبه؛ کتاب جوابات الفارقین فی الغیبه؛ کتاب النقض علی الطلحی فی الغیبه؛ کتاب الجوابات فی خروج المهدی علیه السلام؛ کتاب فی الغیبه.

سه اثر از شیخ مفید درباره غیبت امام عصر (عج)، در مجموع خزانه کتب طهرانیه در سامرا موجود بوده و شیخ آغابزرگ در الذریعه به ذکر صفحات نخست این آثار مبادرت کرده است.^{۷۵}

- علم‌الهدی ابوالقاسم علی بن حسین موسوی معروف به سید مرتضی (متوفی ۴۳۶) صاحب رساله فی غیبه الحجّه که در هامش تعلیقه شیخ محمد کاظم خراسانی به چاپ رسیده است.^{۷۶}

روضه^{۷۸} (حاجب منصور عباسی) نیز دارای اثر یا آثاری در زمینه امامت بوده‌اند. اما در دوره غیبت صغری تعداد کسانی که در زمینه امامت به تحقیق پرداخته‌اند و آثاری ارائه کردند فوق شمارش است. آنان در این گونه کتب با استفاده از قرآن و روایات، پایه‌های کلامی شیعه را استوار ساختند. کتاب رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی و نیز الذریعه منابع مناسبی جهت ارائه کارنامه دانشمندان شیعه در این خصوص است. برای نمونه نجاشی درباره ابراهیم بن محمد بن سعید... ثقفی (م ۲۸۳) آورده است که وی در اصل کوفی بود و قصد مهاجرت از آن سامان را کرد. برخی از بزرگان قم از جمله احمد بن محمد بن خالد برقی از وی دعوت کردند به قم بروند و در آنجا رحل اقامت افکنند. وی نپذیرفت و سؤال کرد که کدام سرزمین در ایران از خط شیعه دورتر است. گفتند اصفهان و او سوگند یاد کرد که به اصفهان رفته و کتاب‌های خود از جمله کتاب معرفت را برای اهالی اصفهان روایت کند. او علاوه بر آن کتاب‌های زیادی تألیف کرد که بیشتر آنها در موضوع امامت یا تاریخ امامان (ع) است. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: السقیفه، الرده، بیعة علی (ع)، الجمل، الصیفین، الحکمین، الغارات، مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام، رسائله و اخباره (ع)، قیام الحسن، مقتل الحسین، التوابین، فذکة المودة فی ذوی القربی، المعرفة، الحوض و الشفاعة، ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین (ع)، فضل الکوفة و من نزلها من الصحابه، فی الامامة کبیر، کتاب فی الامامة صغیر^{۷۹}. از متکلمان معروف دیگر که بیشتر آثار او در موضوع امامت است. می‌توان از اسماعیل بن علی بن اسحاق... بن نوبخت نام برد که نجاشی به حدود پانزده اثر او در موضوع امامت، توحید و نبوت اشاره کرده است.^{۸۰} به همین گونه می‌توان از ده‌ها تن یاد کرد که در نقاط مختلف به فعالیت علمی پرداختند و کتاب‌های مهمی در حوزه امامت تألیف کردند.^{۸۱}

آنچه در این زمینه قابل ذکر است تلاش‌های دانشمندان شیعه در مناطق سنی نشین و از جمله بغداد، مرکز قدرت خلفای عباسی، است که بازار مباحث کلامی و ظهور تألیفات عیدیه در زمینه مباحث اعتقادی در آنجا گرم بود. در قرن چهارم با آنکه متکلمان بزرگی از جمله قاضی عبدالجبار معتزلی، قاضی ابوبکر باقلانی و علی بن عیسی رمانی در بغداد حضور داشته‌اند، شیخ مفید از نظر مهارت بحث‌های کلامی زبانزد بود، به طوری که ابن‌الدینم می‌نویسد: «ریاست متکلمان شیعه در عصر ما به او رسیده است. وی در علم کلام بر مبنای امامیه بر همگان برتری دارد. دانشمندی نکته سنج و حاضر جواب است و من او را دیده‌ام. در همه علوم استاد است و در فقه و کلام و تاریخ و حدیث به مقام نهایی رسیده است.»^{۸۲} اثر معروف شیخ مفید درباره امامت الارشاد است و به دنبال شاگردان او سید مرتضی و شیخ طوسی نیز همان خط فکری و تبلیغاتی استاد را تعقیب کردند. تا آنجا که متعصبان اهل سنت ادامه وجود شیخ طوسی در بغداد را تحمل نکرده و پس از حملات مکرر وی را در ۴۴۸ ق به مهاجرت از بغداد به نجف وادار کردند.

ب) تألیف کتاب‌های خاص در اثبات غیبت امام زمان (عج)

بخش دیگر از آثار کلامی، روایی دانشمندان شیعه، به تألیف کتاب‌هایی در موضوع غیبت امام عصر (عج) اختصاص دارد. این کتب نیز تنوع فراوانی دارد که در آثار علمای کتاب‌شناس به آن اشاره رفته است. مرحوم شیخ آغابزرگ تهرانی با استفاده از کتاب‌های متقدمان شیعه در حدود چهل کتاب و رساله را نام می‌برد که در فاصله قرن سوم تا قرن پنجم هجری با عنوان عمومی «السقیفه»



از مشایخ بزرگ و جلیل القدر شیعه و دارای عقیده صحیح و احادیث فراوان دانسته و ضمن برشماری آثار او از کتاب الغیبه نام می‌برد.^{۷۹} اما شیخ آغاز بزرگ تهرانی در الذریعه می‌نویسد که از برخی از مواضع کتاب نعمانی چنین به دست می‌آید که نام کتاب او «ملاء العیبه فی طول الغیبه» بوده است.^{۸۰} از نعمانی که در دهه‌های نخست قرن چهارم می‌زیست و به همین سبب به خوبی از مشکلات شیعه در گذر از دوران حضور ائمه (ع) به عصر غیبت با خبر بود و کتاب خود را به انگیزه رفع حیرت از شرایط پدید آمده برای شیعه به رشته تألیف درآورد. او خود در مقدمه کتاب، انگیزه تألیف کتاب غیبت را چنین بیان می‌دارد: «از پیشوایان راستگویان برای ما نقل شده که آنان به عالمان دینی فرمان داده‌اند تا هر دانشی که به ایشان رسد به دیگران برسانند و شبهه‌های دینی آنان را بزدایند و آنان را از وادی حیرت به راه راست رهنمون سازند و از منزل شک به نور یقین درآورند، پس به قصد قربت و نزدیکی به خدای عزوجل به جمع‌آوری آنچه از پیشوایان راست و پاک از امیرالمؤمنین تا آخرین امام (ع) درباره غیبت رسیده، پرداختم. همان غیبتی که دورماندگان از علم الهی و راه نیافتگان به هدایت معصومین از حقیقتش کور ماندند...».^{۸۱}

اما در خصوص محتوا و مطالب غیبت نعمانی باید گفت که این اثر شامل مجموعه‌ای از روایات وارده در باب امامت امامان (ع) و به طور خاص، روایاتی درباره غیبت امام عصر (عج) است. کتاب دارای ۴۷۸ حدیث در ۲۶ باب است. نعمانی با دقت فراوان به تبویب روایات پرداخته و احادیث مربوط به یک باب را در کنار هم آورده و علاوه بر نقل روایات گاه در پایان باب‌ها به درج توضیحاتی نیز مبادرت می‌کند. از ابواب ۲۶ گانه روایات ۹ باب نخست ویژه بیان اصل امامت در شیعه، دوازده بودن شمار امامان و ضرورت وجود حجت در هر عصر و زمان اختصاص یافته و از باب دهم به نقل روایت درباره غیبت امام عصر (عج) می‌پردازد. در ابواب مربوط به غیبت، مسائلی چون «غیبت یافتن شیعه به صبر و انتظار فرج»، «امتحان و اختلافات شیعه در عصر غیبت»، «ویژگی و سیره امام منتظر»، «علامات ظهور»، «سختی‌های مردم پیش از ظهور امام عصر (عج)»، «منع از تعیین وقت ظهور»، «علامت ظهور از جمله خروج سفیانی»، «وضعیت شیعه به هنگام ظهور» ذکر شده است. دقت فراوان نعمانی در ذکر روایات مناسب قابل ملاحظه است و مشکلات بسیاری را در خصوص واقعه غیبت امام عصر (عج) حل می‌کند. کتاب غیبت نعمانی با آنکه اثری روایی است، به جهت دقت نظر نعمانی در انتخاب روایات و چینش و تبویب دقیق روایات و نیز ارائه توضیحات مناسب در ذیل شماری از احادیث، سیمای یک کتاب کلامی به خود گرفته و از این جهت بالاترین در شکل‌گیری کتاب‌های دیگری که پس از نعمانی در باب غیبت نگارش یافت، از جمله آثار شیخ صدوق و شیخ طوسی، نقشی به سزا یافت.

۳. شیخ صدوق و کمال الدین

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی از محدثان بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری است. وی دارای آثار متعددی در زمینه حدیث بوده و به رئیس محدثین شهرت دارد. قبلاً گفته شد که شیخ صدوق به دعای امام عصر (عج) به دنیا آمد. این موضوع مایه مباهات شیخ بود به طوری که در کتاب کمال الدین به آن اشاره می‌کند. وی تألیف کتاب کمال الدین و تمام النعمه را نیز با اشاره و هدایت امام زمان (عج) انجام داد و خود در مقدمه این

۱۰. ابوجعفر محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی، صاحب کتاب الغیبه که درباره آن سخنی گفته خواهد شد. شایان ذکر است که به جز آثار یادشده، کتاب‌های دیگری نیز در فاصله قرن سوم تا پنجم هجری در خصوص غیبت امام عصر (عج) و فلسفه آن در شیعه تألیف شده که مجال بررسی آن در این مقاله نیست.^{۷۷} اما به منظور اطلاع از گوشه‌ای از تلاش‌های دانشمندان، به معرفی مختصری از چهار اثر مبادرت می‌شود:

۱. محمد بن یعقوب کلینی و کتاب الحجة کافی

ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی از محدثان بنام امامیه در قرن چهارم هجری (متوفی ۳۲۹) و صاحب نخستین کتاب از کتب اربعه حدیثی شیعه - یعنی الکافی - است. کتاب الکافی از سه قسمت جداگانه با عناوین اصول، فروع و روضه تشکیل شده و قسمت اصول آن به روایات اعتقادی و اخلاقی تخصیص یافته که خود شامل چند کتاب مستقل است. یکی از کتب مهم اصول کافی کتاب الحجة است که شامل ۱۳۰ باب و ۱۰۱۵ حدیث است. این کتاب یکی از متن‌ترین آثار به جا مانده از متقدمان شیعه در باب امامت است که با استناد به روایات مسند و معتبر به طرح سیمای امامت پرداخته و درباره هر یک از امامان شیعه نیز مباحث مفید و مؤثری آورده است. در این روایات فلسفه امامت، معیارهای شناخت امام، صفات و ویژگی‌های امام معصوم و نقش هر یک از امامان در تثبیت نظام امامت و معرفی امام بعد از خود به درستی نمایانده شده است. از میان روایات کتاب الحجة در حدود ۱۰ باب به امام عصر (عج) اختصاص دارد و نزدیک به ۱۳۰ حدیث در این ده باب قابل ملاحظه است. عناوین برخی از این ابواب با تعداد روایات آنها به قرار زیر است.

مولد الصحاب علیه السلام، ۳۱ حدیث؛

الاشارة و النص الی صاحب الدار، ۶ حدیث؛

فی تسمیة من راه، ۱۵ حدیث؛

فی النهی عن الاسم، ۴ حدیث؛

نادر فی حال الغیبه، ۳ حدیث؛

فی الغیبه، ۳۱ حدیث؛

فیما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم، ۲۰ حدیث؛

کراهة التوقیت، ۷ حدیث؛

التمحیص و الامتحان، ۶ حدیث.

اشاره می‌شود که ابواب ذکر شده شامل قسمتی از روایات وارده در باب امام عصر (عج) در اصول کافی است. زیرا مرحوم کلینی در ابواب دیگر کتاب الحجة نیز کم و بیش روایاتی نقل کرده که موضوع آن به وجود مبارک امام زمان (ع) مربوط است. علاوه بر آن، چنان که نجاشی تذکر داده وی دارای کتاب مستقلی به نام رسائل الائمة علیهم السلام بوده^{۷۸} که محتوای آن رسائل و توقیعات امامان (ع) بوده است، لکن در حال حاضر اثری از آن در دست نیست.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی و کتاب غیبت

محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی مکنی به ابو عبدالله و مشهور به ابن زینب یا ابن ابی زینب از علمای قرن چهارم هجری است که در خصوص غیبت امام عصر (عج) تألیف مستقلی سامان داده است. نجاشی، نعمانی را یکی



بالاخص امامت حضرت ولی عصر (عج)، کتاب الغیبه است که زمینه‌های کلامی - روایی دارد.

شیخ طوسی این کتاب را به درخواست یکی از بزرگان تشیع - که شیخ نام او را نمی‌برد - تألیف کرده است لذا در مقدمه آن می‌نویسد: «من در اجابت به دعوت شیخ جلیل القدر (خود) که خداوند بقای او را طولانی گرداند به املائی این کتاب در موضوع غیبت صاحب الزمان و سبب غیبت او و علتی که در پی آن غیبت آن حضرت طولانی شده و نیز ادامه غیبت آن بزرگوار علی رغم نیاز شدید به وجود مبارک او، پرداختم. در این کتاب همچنین درباره ظهور و حضور او در خشکی و دریا و اینکه علت و مانع ظهور او چیست به تحقیق پرداخته و به پاسخ سؤالاتی که در این زمینه وارد است و نیز حل شبهات مخالفان و طعن طعن‌زندگان اقدام کردم».

وی سپس مباحث اصلی کتاب را با عنوان «فصل فی الکلام فی الغیبه» آغاز کرده و به نقد اعتقادات برخی از فرق انحرافی مانند کیسانیه و واقفه - که غیبت‌هایی برای پاره‌ای دیگر از ائمه ادعا کرده‌اند - پرداخته و از فلسفه و حکمت غیبت امام عصر سخن به میان آورده است. در این خصوص شیخ طوسی علاوه بر گزارش از پاره‌ای از معمران، به نقل روایاتی از پیامبر (ص) می‌پردازد که جریان امامت را دوازده‌گانه اعلام فرموده و ثابت می‌کند که این روایات تطبیقی جز با امامان شیعه ندارد. وی سپس به نقل از هر یک از امامان، نصوصی درباره امام عصر (عج) نقل می‌کند و به دنبال این مباحث اخبار مربوط به ولادت امام عصر (عج) را نقل کرده و سپس روایاتی متعلق به کسانی که توفیق دیدار امام (ع) را داشته‌اند می‌آورد. آنگاه به تفصیل به ذکر توقیعات وارده از امام عصر (عج) پرداخته و علل مانع ظهور آن بزرگوار را برمی‌رسد. در قسمت بعد، به معرفی سفرای و نمایان آن بزرگوار پرداخته و علاوه بر معرفی کامل نواب اربعه، برخی از کسانی را که به دروغ به ادعای بیعت یا نیابت پرداخته‌اند معرفی می‌کند. پس از آن شیخ طوسی به ذکر روایاتی اقدام می‌کند که مفاد آن عدم تعیین وقت دقیق برای ظهور آن حضرت است. آنگاه به تفصیل به نقل روایاتی می‌پردازد که مبین پاره‌ای از صفات، ویژگی‌های اخلاقی و سیرت آن بزرگوار است و با اخباری پیرامون استقرار دولت قائم (عج) و عزت شیعیان در آن دوران کتاب خود را که از بهترین کتب پیرامون غیبت امام عصر است، به پایان می‌رساند.

کتاب‌شناسی:

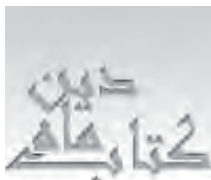
۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ه. ش.
۲. تاریخ الخلفاء، جلال‌الدین سیوطی، قم، منشورات رضی، ۱۳۷۰، ه. ش.
۳. الغیبه محمد بن حسن طوسی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷، ه. ق.
۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ه. ق.
۵. اختیار معرفة الرجال، معروف به رجال کشی، محمد بن حسن طوسی، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۴، ه. ق.
۶. رساله ابوغالب زرزی، احمد بن محمد زراری معروف به ابوغالب، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۱، ه. ق.
۷. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مجید معارف، تهران، انتشارات ضریح، ۱۳۷۶، ط ۲
۸. رجال نجاشی، احمد بن علی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷، ه. ق.
۹. الفهرست، محمد بن حسن طوسی، قم، منشورات رضی، [بی‌تا].
۱۰. معرفة الحدیث محمد باقر بهبودی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ه. ش.
۱۱. معجم رجال الحدیث آیه الله سید ابوالقاسم خویی، قم، منشورات مدینه العلم، ۱۴۰۹، ه. ق.
۱۲. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ه. ش.
۱۳. کمال‌الدین و تمام النعمه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، به ترجمه منصور پهلوان، نشر

اثر به این موضوع اشاره می‌کند. کلام شیخ در این خصوص چنین آغاز می‌شود که: «شبی که به شهر ری بازگذاشته بودم از خانواده و فرزندان و برادران و نعمت‌ها اندیشه می‌کردم (اشاره به ایام اقامت شیخ صدوق در نیشابور که تألیف کتاب کمال‌الدین در آنجا آغاز شد) که ناگاه خواب بر من غلبه کرد و در خواب دیدم گویا در مکه هستم و به گرد بیت الله الحرام طواف می‌کنم و در شوط هفتم به حجرالاسود رسیدم آن را استلام کرده و بوسیده این دعا را می‌خواندم: این امانت من است که من آن را تأدیه می‌کنم و پیمان من است که آن را با تو در میان می‌گذارم تا به ادای آن گواهی دهی. آنگاه مولایمان صاحب الزمان - صلوات الله علیه - را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده است و من با دلی مشغول و حالی پریشان به ایشان نزدیک شدم، آن حضرت در چهره من نگرینست و راز درونم را دانست. بر او سلام کردم و او پاسخم را داد. سپس فرمود: چرا در باب غیبت کتابی تألیف نمی‌کنی تا اندوخت را زایل سازد عرض کردم یا ابن رسول الله! درباره غیبت پیشتر رساله‌هایی تألیف کرده‌ام. و فرمود نه به آن طریق، اکنون تو را امر می‌کنم که درباره غیبت کتابی تألیف کنی و غیبت انبیا را در آن بازگویی، آنگاه آن حضرت صلوات الله علیه گذشت. من از خواب برخاستم و تا طلوع فجر به دعا و گریه و درد دل کردن و شکوه نمودن پرداختم و چون صبح دمید به تألیف این کتاب آغاز کردم تا امر ولی و حجت خدا را امثال کرده باشم».^{۸۲}

شایان ذکر است که کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه از یک مقدمه طولانی و ۵۵ فصل تشکیل شده است. مقدمه کتاب شامل مباحثی کلامی در اثبات درستی عقیده امامیه در باب امام قائم (عج) و پاسخ به شبهات زیدیه اسماعیلیه و سایر فرق غیر اثناعشری است. پس از آن، کتاب با عنوان غیبت ادریس پیامبر آغاز می‌شود و به دنبال آن از غیبت حضرت نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی و به طور کلی حج الهی که در فاصله موسی و عیسی بوده‌اند، سخن به میان می‌آید. آنگاه پس از آوردن اخبار متعددی از بزرگان صحابه و دیگران به ذکر نصوص وارده بر اثبات امامت ولی عصر (عج) پرداخته و از رسول خدا (ص) تا امام حسن عسکری روایاتی را ذکر می‌کند. قسمت‌های پایانی کتاب نیز به میلاد امام قائم، کسانی که امام را ملاقات کرده‌اند، علت غیبت، توقیعات وارده از قائم (ع) طول عمر آن حضرت، سرگذشت معمران، ثواب منتظر، نهی از تسمیه حضرت، علامات ظهور و چند بحث فرعی دیگر پرداخته^{۸۳} که شیخ صدوق همه این مباحث را با نظم علمی مناسبی آورده است.

۴. شیخ طوسی و کتاب الغیبه

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی فقیه، محدث، رجالی، مفسر، ادیب، متکلم و در یک کلام محقق بزرگ شیعه که به حق او را «شیخ الطائفه» لقب داده‌اند. از علمای بزرگ شیعه در قرن پنجم هجری است. شیخ طوسی شخصیتی جامع‌الاطراف بوده و در همه رشته‌های علوم اسلامی صاحب تألیفات است. این تألیفات تا به امروز مورد استفاده محققان واقع شده و در غایت اعتبار است. از جمله او در حوزه کلام آثار متعددی به رشته تألیف کشید که عبارت‌اند از: الاقتصاد، تلخیص الشافی، المفصح و الغیبه. تفسیر النبیان نیز بعد کلامی دارد. به این ترتیب وی از متکلمان بزرگ شیعه است که سهم انکار ناپذیری در تحکیم عقاید شیعیان آن هم در شرایط خطیر بغداد در قرن پنجم ایفا کرده است. از جمله کتاب‌های مهم او در موضوع امامت شیعه و



دارالحديث ۱۳۸۲ هـ. ش.

۱۴. الذريعة الى تصانيف الشيعة شيخ آقا بزرگ تهراني، بيروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۵. یادنامه شيخ طوسي به نقل از فهرست ابن النديم، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ هـ. ش.

پي نوشت ها:

۱. الكافي، ج ۱، ص ۱۷۸: باب ان الارض لا تخلوا من حجة
۲. صور مختلف اين روايت را به نقل از مصادر مختلف اهل سنت بنگريد در تاريخ الخلفاء، سيوطي، ص ۹-۱۰ و الغيبة شيخ طوسي، ص ۱۲۷-۱۵۶، نزديك به ۳۰ حديث
۳. نمونه‌ای از تطبيق های نامناسب و توجيهات موجود در اين خصوص را بنگريد در تاريخ الخلفاء، ص ۱۱ و نیز حيات فکری و سياسی امامان شيعه ج ۱، ص ۳۵
۴. نمونه‌های مختلف از اين روايات را به نقل از مصادر شيعه و سنی بنگريد در بحار الانوار، ۵۱، باب ۶۵ «ما ورد من اخبار الله و اخبار النبي (ص) بالقائم عليه السلام من طرق الخاصة والعامه»
۵. بحار الانوار، ۱۰۲/۵۱
۶. بحار الانوار، ج ۱، ص ۷۸-۸۵: نیز نصوص وارده از پيامبر در خصوص امام مهدی (عج) را بنگريد در کمال الدين و تمام النعمه ج ۱، ص ۴۸۲-۵۲۸
۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶-۱۴۷ با اندکی تلخيص
۸. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۶
۹. الكافي، ج ۷، ص ۹۴
۱۰. همان، ج ۱، ص ۳۰۶
۱۱. بنگريد به اختيار الرجال طوسي، (کشی)، به رقم‌های ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۸۶، ۲۸۷، ۴۳۲، ۴۳۴ و نیز بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۹۰-۳۹۴
۱۲. الكافي، ج ۱، ص ۵۲
۱۳. همانجا
۱۴. همانجا
۱۵. همانجا، ص ۵۳
۱۶. همانجا، ص ۳۷۸
۱۷. همانجا، ص ۲۸۴
۱۸. رساله ابوغالب زراری، ص ۱۱۴
۱۹. اختيار الرجال، به رقم ۲۵۴
۲۰. رساله ابوغالب زراری، ص ۱۴۱
۲۱. الكافي، ج ۱، ص ۳۵۱: ارشاد، مفيد ص ۲۹۱: اختيار الرجال، ص ۵۰۲
۲۲. بنگريد به پژوهشی در تاريخ حديث شيعه، ص ۳۴۰ عنوان مسائل آزمونی
۲۳. رجال، نجاشي، ص ۱۱، فهرست طوسي، ص ۱۷
۲۴. اختيار الرجال، به رقم ۶۰۲
۲۵. همان، به رقم‌های ۳۲۷ و ۸۴۴
۲۶. اختيار الرجال به رقم ۲۱۶
۲۷. الكافي، ج ۷، ص ۹۱، ۹۵، ۹۸
۲۸. اختيار الرجال، به رقم ۲۷۳: بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۲۸
۲۹. اختيار الرجال، به رقم‌های ۹۱۰، ۹۲۵، ۹۳۸
۳۰. رجال نجاشي، به رقم ۱۲۰۸
۳۱. معرفة الحديث ۱۷
۳۲. رجال، نجاشي، به رقم ۷۵۱
۳۳. اختيار الرجال، به رقم ۷۱۶: بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۹۴
۳۴. رجال، نجاشي، به رقم ۲۲۵
۳۵. الغيبة ص ۴۸
۳۶. اختيار الرجال، به رقم ۸۷
۳۷. همان، به رقم ۸۸۸
۳۸. الكافي، ج ۱، ص ۵۴۸
۳۹. گزیده کافي، توضیح محمد باقر بهبودی، ۱۴۲/۱
۴۰. معجم الرجال الحديث، ۱/۷۸۵ که می نویسد: «الوكالة لا تستلزم العدالة...» هي وكلا
۴۱. الكافي، ۳۴۵ الى ۳۵۸
۴۲. پژوهش در تاريخ حديث شيعه، ۳۴۳ الى ۳۵۰
۴۳. جهت اطلاع بیشتر از اين بحث بنگريد به حيات فکری و سياسی امامان شيعه، ج ۲ ص ۲۳۶ تحت عنوان: سازماندهی وكلا
۴۴. الغيبة ص ۳۵۴ و ۳۵۵
۴۵. الغيبة، ۳۵۳ الى ۳۹۶
۴۶. الغيبة، ۳۹۵
۴۷. رجال، نجاشي، به رقم ۱۰۳۲

۴۸. نجاشي، به رقم ۶۸۴
۴۹. کمال الدين، ۵۰۳
۵۰. الغيبة، ۳۵۶
۵۱. الغيبة، ص ۲۸۵ و نیز الى ص ۳۲۷ از همین کتاب
۵۲. الذريعة ۵۰۰/۴
۵۳. الغيبة ۳۹۷: ذکر المذمومين الذين ادعوا البايه و...
۵۴. رجال، نجاشي، به رقم ۱۱۶۴
۵۵. همانجا، به رقم ۸۸۷
۵۶. همانجا، ۱۲۰۸
۵۷. همانجا، ۶۵۸
۵۸. همانجا، ۷۹۶
۵۹. همانجا، به رقم ۱۶
۶۰. همانجا، به رقم ۶۸
۶۱. از جمله بنگريد به رجال نجاشي به رقم های ۶۷، ۶۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۰۷، ۲۰۸
۶۲. یادنامه شيخ طوسي، در ۱۹۰ به نقل از فهرست ابن النديم
۶۳. رجال طوسي، ۱۰۴، فهرست طوسي، ص ۳
۶۴. نجاشي، به رقم ۷۴۱
۶۵. همانجا، به رقم ۷۳
۶۶. همان، به رقم ۶۶۷ رجال طوسي، ص ۳۵۷
۶۷. رجال نجاشي، به رقم ۶۷۶
۶۸. همانجا، به رقم ۶۶۴
۶۹. همانجا، به رقم ۵۷۳
۷۰. همانجا، به رقم ۸۴۰

۷۱. ناگفته نماند شماری از کسانی که در اوائل قرن سوم در موضوع غيبت به تأليف کتاب پرداخته‌اند مانند علی بن حسن بن محمد، علی بن عمر اعرج، حسن بن محمد بن سماعيل، حسن بن علی بن ابی حمزه بطنانی از سران و بزرگان فرقه انحرافی واقفه بوده و بعضاً تضعيف شده‌اند، لذا بعيد نيست که کتاب آنان در اثبات غيبت امام کاظم و انکار امامت امام رضا (ع) باشد که موضوع اين مقاله قرار نمی‌گيرد. لکن شمار دیگری از غيبت‌نویسان در قرن سوم مانند فضل بن شاذان نيشابوری علی بن حسن بن فضال، عبدالله بن جعفر حمیری، علی بن مهزيار اهوازی از بزرگان موقف شيعه و مورد اعتماد امامان بوده و نگارش کتاب آنان در باب غيبت نشان از اهتمام آنان به اثبات معتقدات شيعه و آماده سازی شيعيان در ورود به غيبت امام عصر (عج) دارد.

۷۲. اين شخص از بزرگان شيعه و صاحب کتاب تکليف است که مع الاسف در پايان عمر دچار انحراف و بلکه ارتداد گرديد، اما آثاری که در دوره استقامت و سلامت مذهبی نوشت تا مدت‌ها مورد استفاده شيعيان بود. وی چندین کتاب نیز در موضوع امامت تأليف کرد بنگريد، رجال نجاشي به رقم ۸۰/۱۶۵، الذريعة، ۸۰/۱۶۵

۷۳. رجال النجاشي، به رقم ۱۰۶۷
۷۴. الذريعة ۸۲/۱۶ و ۸۳
۷۵. همانجا، ۸۱/۱۶
۷۶. همانجا ۸۲/۱۶

۷۷. به طوری که ملاحظه گرديد براساس گزارش کتاب‌شناسان موقف شيعه در قرن پنجم و ششم - مانند نجاشي، شيخ طوسي و ابن شهر آشوب - که شيخ آغا بزرگ حاصل تحقيقات آنان را در الذريعة جمع‌آوری کرده دهها نفر از بزرگان شيعه در فاصله قرن دوم الی پنجم هجری به تأليف کتاب‌هایی در موضوع غيبت امام زمان اشتغال داشته‌اند. معهذًا از اين گونه کتب تعداد بسيار کمی تا زمان ما باقي مانده است. دليل اين امر را در دو مطلب می‌توان عنوان نمود: نخست آنکه در اثر برخی از حوادث سياسی که در حوزه‌هایی چون بغداد رخ داده، بسياری از مصادر اولیه شيعه در آتش سوزی‌ها و بين رفته است. (جهت اطلاع بیشتر بنگريد به المنتظم ابن جوزی ۱۷۳/۸ حوادث سال‌های ۴۴۸ و ۴۴۹) و بعيد نيست که کتاب‌هایی که در موضوع غيبت نگاشته شد نیز طعمه همین حوادث شده باشد، و مطلب ديگر آنکه تأمل در باب کتاب‌های نوشته شده در زمينه غيبت حکايت از سير تکاملی اين کتب دارد، لذا با تأليف کتاب‌های جامعی چون کمال الدين شيخ صدوق و الغيبة شيخ طوسي، کتب قبلی به تدریج متروک شده و در طول زمان به دليل عدم استساخ و معدود بودن نسخ آنها از بين رفت.

۷۸. رجال نجاشي، به رقم ۱۰۲۶
۷۹. همانجا، به رقم ۱۰۴۳
۸۰. الذريعة ۷۹/۱۶
۸۱. الغيبة، ۶ مشعل جاويد، ۲۰۶ با اندکی تغير
۸۲. کمال الدين، مقدمه مؤلفه در ۶ و ۷
۸۳. بنگريد به مقدمه مترجم، ج ۱، ص هفت الی هشت با اندکی تلخيص